روی موج کوتاه

نیروی دریایی سپاه:

هر تردد و عدم تردد در تنگه هرمز تحت کنترل ماست

نیروی دریایی سپاه از کنترل کامل تنگه هرمز خبر داد. به گزارش تسنیم، فرماندهی نیروی دریایی سپاه در خصوص رصد پهپادی از وضعیت واقعی تنگه هرمز اعلام کرد تمام ترددها و عدم ترددها تحت کنترل کامل نیروهای مسلح است. براساس اعلام این مرکز، هرگونه تحرک اشتباه، دشمن را در تنگه گرفتار گرداب‌های مرگبار خواهد کرد.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

اگر غرامت ندهند، کشتی‌های متخاصم را توقیف می‌کنیم و به فروش می‌رسانیم

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفتگویی اظهار کرد: اگر آمریکا غرامت جنگ را به ایران پرداخت نکند، کشتی‌های متخاصم در خلیج فارس را توقیف می‌کنیم و به فروش می‌رسانیم. علی خضریان گفت: آنها چه وارد جنگ شوند، باخته‌اند و چه زمان را لفت بدهند باخته‌اند؛ زمان به ضرر آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی است زیرا هر چه پیش بروند با شعار درمانی قیمت نفت پایین نمی‌آید مدیریت تنگه هرمز حفظ شده و اگر غرامت‌های ما را پرداخت نکنند، کشتی‌های متخاصم در خلیج فارس را توقیف می‌کنیم و به فروش می‌رسانیم. به گفته وی، ایران غرامت خسارات، دیه شهدا و حتی دیه جانبازان خود را دریافت خواهد کرد و جمهوری اسلامی بر سر این موضوع با هیچ کشوری شوخی ندارد.

آماده‌باش ارتش اسرائیل برای احتمال بازگشت به جنگ با ایران

رسانه‌های اسرائیلی از آماده‌باش ارتش این رژیم برای احتمال بازگشت به جنگ با ایران خبر دادند. براساس اعلام این رسانه‌ها، در پی توقف و شکست مذاکرات ۲۱ ساعته در اسلام‌آباد، ایال زمیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل دستور ارتقای حداکثری سطح آماده‌باش نیروهای نظامی را صادر کرده است. این دستور با هدف آمادگی برای احتمال بازگشت به درگیری‌های مستقیم نظامی در آینده نزدیک ابلاغ شده است.

قاآنی:

جبهه مقاومت یکپارچه و منسجم است

فرمانده نیروی قدس سپاه در پیامی، تأکید کرد: جبهه مقاومت یک پارچه و منسجم است و وحدت و انسجام آن بی‌نظیر است. سردار اسماعیل قاآنی ادامه داد: فرهنگ مقاومت به نحوی است که هر چه فشار بیشتری را تحمل کنند مستحکم‌تر و قوی‌تر می‌شود. در رژیم صهیونیستی تصور می‌کند با فشار به مقاومت و شهادت آنها و مردم مظلوم و بی‌گناه موجب شکست یا ضعف یا تسلیم آنها می‌شود. فرهنگ مقاومت به نحوی است که هر چه فشار بیشتری را تحمل کنند مستحکم‌تر و قوی‌تر می‌شود. امروز مقاومت قوی‌تر و منسجم‌تر از هر زمان دیگر است.

اسلامی پیش‌بینی کرد:

برگزاری انتخابات شوراها در موعد مقرر، باشکوه و با مشارکت گسترده!

سخنگوی ستاد انتخابات کشور با اشاره به شرایط خاص کشور پیش‌بینی کرد: باوجود شرایط جنگی، انسجام و حضور مردم نقش تعیین کننده‌ای دارد و انتخابات در موعد مقرر، با شکوه و با مشارکت گسترده برگزار خواهد شد. به گزارش ایلنا، محسن اسلامی همچنین گفت: در حال حاضر، فرآیند بررسی اعتراض‌ها نسبت به سوابق داوطلبان در حال انجام است و هیأت‌های نظارت شهرستان‌ها تا ۲۷ فروردین فرصت دارند پاسخ لازم را ارائه کنند. سخنگوی ستاد انتخابات کشور ادامه داد: مرحله اصلی پیش رو، بازه تبلیغات انتخاباتی است که از سوم اردیبهشت‌ماه آغاز می‌شود و تا نهم اردیبهشت ادامه خواهد داشت و لازم است که مسئولان محلی بادقت نسبت به تبیین و اجرای این مرحله اقدام کنند.

عضو هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها:

استفاده از ظرفیت تجمعات مردمی در میادین برای تبلیغات انتخاباتی تخلف است

عضو هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور در تذکر به نامزدهای انتخاباتی گفت: لازم است همه نامزدهای انتخابات شوراهای اسلامی پیش رو توجه داشته باشند، استفاده از ظرفیت تجمعات مردمی در میادین، موکب‌ها و اماکن تحت مدیریت شهرداری‌ها برای سخنرانی و همچنین حضور در برنامه‌های صداوسیما تا قبل از آغاز رسمی زمان تبلیغات انتخاباتی تخلف است. به گزارش ایلنا، سیدمرتضی محمودی در خصوص شائبه تبلیغاتی بودن رفتار تعدادی از نامزدها در تجمعات میدانی بویژه در تهران گفت: پیرو تذکرات متعدد جریان‌های سیاسی و برخی نامزدهای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به اعضای هیات مرکزی نظارت در این خصوص، نظارت‌های لازم صورت خواهد گرفت. وی اضافه کرد: این موضوع به دلیل حساسیتی دارد، تحت رصد هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور و موثر در تایید و رد احتمالی صلاحیت‌ها در روزهای آینده خواهد بود.

حاجی‌بابایی:

تا زمانی که آمریکا را به زانو درنیاوریم، این جنگ ادامه دارد

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه جنگ فعلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران یک جنگ مبنایی است، اظهار کرد: تا زمانی که آمریکا را به زانو در نیاوریم، این جنگ ادامه دارد. به گزارش ایلنا، حمیدرضا حاجی‌بابایی روز یکشنبه در اجتماع پرشور مردم شهرستان آمل، افزود: رئیس جمهور آمریکا با اشتباه محاسباتی خود برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی، اکنون ایران را به یک قدرت برتر منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است. وی با اشاره به اهداف دشمن از راه‌اندازی این جنگ تصریح کرد: آمریکا آمده بود هر آنچه که داریم را نابود کند تا اسرائیل بزرگ را در منطقه درست کنند و همه مسلمانان را از نیل تا فرات زیر نظر داشته باشند. حاجی‌بابایی با هشدار به آمریکا خاطرنشان کرد: دست نیروهای مسلح ایران روی ماشه است و «هیهات من الذله» شعار اساسی مردم این کشور است. دشمن هرگز فکر نکند ملت ما خسته شده و از این منظر به تنگه هرمز طمع نکند؛ چرا که برای همیشه تحت حاکمیت ملت ایران خواهد بود.

ماراتن ۲۱ ساعته اسلام‌آباد به توافق ختم نشد، اما بن‌بست نهایی هم نبود؛

فرصت چانه‌زنی در برزخ دیپلماتیک

طهمورث گیلانی

اسلام‌آباد در روزهای اخیر، کانون تپنده دیپلماسی جهانی بود؛ جایی که بوی باروت جنگ ۴۰ روزه با رایحه تند چای پاکستانی در تالارهای مذاکره در هم آمیخت تا سرنوشت یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های قرن بیست و یکم رقم بخورد. ۲۱ ساعت مذاکره فشرده میان هیأت‌های ایرانی و آمریکایی، نه فقط یک نشست دیپلماتیک، که یک نبرد اراده‌ها در دوران پس از آتش‌بس بود. اگرچه در پایان این ماراتن نفس‌گیر، خبری از دست‌دادن‌های نمادین و بیانیه‌های مشترک پیروزی نبود؛ اما نباید از یاد برد که در دنیای سیاست، گاهی به توافق نرسیدن به معنای شکست نیست. ماراتن اسلام‌آباد نشان داد که به‌رغم بدگمانی‌های عمیق و زخم‌های تازه‌ای که از نبرد ۴۰ روزه بر تن هر دو طرف باقی مانده، پیوند ناگسستنی میان میدان و دیپلماسی به مرحله‌ای رسیده است که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند به سادگی میز را برای همیشه ترک کنند.

در حالی که برخی ناظران با شنیدن خبر خروج هیأت‌ها از پاکستان، طبل پایان دیپلماسی را به صدا درآوردند، تحلیل عمیق‌تر رفتار بازیگران نشان می‌دهد که پنجره گفت‌وگو نه تنها بسته نشده، بلکه به دلیل ضرورت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک، بازتر از هر زمان دیگری است. احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار باسابقه و تحلیلگر سیاسی، با نگاهی واقع‌بینانه به این صحنه می‌نگرد و معتقد است که جنگ عملاً به نقطه اشباع خود رسیده است. او به درستی اشاره می‌کند که گام بعدی در مسیر نظامی، سودی برای طرفین نخواهد داشت و تنها فاجعه‌ای برگشت‌ناپذیر برای جامعه بین‌المللی رقم می‌زند. این همان منطقی است که در راهروهای قدرت در تهران و واشنگتن نیز طنین‌انداز شده؛ جایی که عقلانیت ابزاری حکم می‌کند برای جلوگیری از فروپاشی بازارهای جهانی انرژی و مهار تورم افسارگسیخته در غرب، باید به دیپلماسی سلامی دوباره کرد.

کالبدشکافی اختلافات و ورود متغیرهای جدید به دستور کار

آنچه مذاکرات اسلام‌آباد را از تمامی ادوار پیشین متمایز کرد، ورود متغیرهای جدید و بنیادین به دستور کار بود. پیش از این، هسته سخت اختلافات بر سر سانتریفیوژها و درصدهای غنی‌سازی دور می‌زد، اما اکنون موضوع تنگه هرمز به عنوان یک ابرپروژه راهبردی، سایه سنگین خود را بر میز مذاکره انداخت. ایران که در جریان جنگ ۴۰ روزه با بستن این گلوگاه حیاتی، قدرت خود را در دیکته کردن قواعد جدید بازی به اثبات رساند، اکنون خواهان تغییر نظام حقوقی این آبراه است. مطالبه ایران برای دریافت عوارض عبور از کشتی‌ها، در واقع باز تعریف حاکمیت ملی در منطقه‌ای است که دهه‌ها تحت سیطره ناوگان‌های فرامنطقه‌ای بوده است.

آمریکا اما این موضوع را خط قرمزی می‌بیند که می‌تواند نظم دریایی مورد نظر واشنگتن را به چالش بکشد. با این حال، اصرار ایران بر این موضوع نشان‌دهنده آن است که تهران دیگر حاضر نیست به توافقات حداقلی و موقت تن دهد و به دنبال یک تفاهم پایدار است که در آن وزن ژئوپلیتیکش به رسمیت شناخته شود. در بخش هسته‌ای نیز، اختلافات همچنان بر سر جزئیات فنی اما حیاتی باقی است. اصرار واشنگتن بر خروج کامل ذخایر اورانیوم غنی‌شده و رسیدن به غنی‌سازی صفر، با واقعیت‌های روی زمین در تضاد است؛ واقعیت‌هایی که نشان می‌دهد حتی بمب‌های سنگرشکن آمریکایی در طول جنگ نتوانستند این ذخایر را از بین ببرند. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، اعلام کرد که ایران با ابتکارات رو به جلو وارد میدان شده، اما طرف مقابل هنوز نتوانسته اعتماد لازم را جلب کند. این عدم اعتماد، ریشه در تجربه‌های تلخ گذشته دارد. از سوی دیگر، جی‌دی ونس با لحنی که بوی اولتیماتوم می‌داد، از آخرین و بهترین پیشنهاد سخن گفت. تحلیلگران معتقدند این اظهارات بیش از آنکه یک بن‌بست نهایی باشد، تلاشی برای چانه‌زنی در بالاترین سطح ممکن است. تریتا پارسی به درستی اشاره می‌کند که در مراحل اولیه آتش‌بس، حتی توقف مذاکرات را باید بخشی از تاکتیک‌های مذاکراتی برای گرفتن امتیازات بیشتر در دورهای بعدی دانست.

باوجود پایان دور اول گفتگوها بدون نتیجه ملموس، پنجره دیپلماسی به دلیل ضرورت‌های حیاتی هر دو طرف همچنان باز مانده است، چرا که جایگزین آن یعنی «جنگ زیرساخت‌ها»، فاجعه‌ای جهانی در بازار انرژی و خودکشی سیاسی برای دولت ترامپ در آستانه انتخابات خواهد بود

ضرورت تداوم گفت‌وگو؛ تنها مسیر خروج از برزخ

وضعیت کنونی را می‌توان به یک برزخ دیپلماتیک تشبیه کرد؛ حالتی که در آن نه توافقی حاصل شده و نه شیپور جنگ دوباره نواخته شده است. در این میان، نقش میانجی‌گرانی چون پاکستان حیاتی‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. اصرار مقامات اسلام‌آباد بر ادامه تلاش‌ها برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها، نشان‌دهنده این واقعیت است که منطقه تاب تحمل یک درگیری تمام‌عیار دیگر را ندارد. اگر دیپلماسی شکست بخورد، سناریوی جنگ زیرساخت‌ها محتمل خواهد بود که در آن نه تنها ایران و اسرائیل، بلکه کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز با ویرانی‌های راهبردی روبرو خواهند شد. اما سوال اینجاست که آیا ترامپ واقعاً به دنبال جنگ است؟ تحلیل‌های منتشر شده نشان می‌دهد که تهدید نظامی برای ترامپ، بیش از آنکه یک گزینه عملیاتی باشد، یک اهرم فشار سیاسی است.

او به خوبی می‌داند که از سرگیری جنگ یعنی سقوط بازارها و افزایش قیمت بنزین، که برای دولتی در آستانه انتخابات کنگره، خودکشی سیاسی محسوب می‌شود. بنابراین، مسیر دیپلماسی به‌رغم تمامی سنگلاخ‌ها، همچنان هموارترین راه است. پیشنهادهای جدیدی که در ساعات پایانی مذاکرات مطرح شد، نشان‌دهنده آن است که هر دو طرف به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه از بحران هستند. ایران به دنبال لغو تحریم‌ها و تثبیت دستاوردهای میدانی خود است و ترامپ به دنبال یک پیروزی دیپلماتیک بزرگ که بتواند آن را به عنوان هنر معامله‌گری خود به افکار عمومی فروشد. در این میان، تنها بازیگری که از شکست مذاکرات سود می‌برد، نتانیاهو است که بقای سیاسی خود را در تداوم تنش و خنثی‌سازی تهدید ایران می‌بیند. اما واقعیت این است که ایران با قدرتی که در تنگه هرمز و جبهه مقاومت به رخ کشیده، به بازیگری تبدیل شده که نادیده گرفتن آن غیرممکن است. این قدرت میدانی، پشتوانه اصلی دیپلمات‌هایی است که در اسلام‌آباد تلاش کردند تا حقوق ملت ایران را در قالب یک چارچوب حقوقی تثبیت کنند.

دیپلماسی به مثابه سرنوشت

مذاکرات اسلام‌آباد اگرچه به امضای قرارداد ختم نشد، اما زنده بودن دیپلماسی را تایید کرد. همان‌طور که اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه اشاره کرد، دیپلماسی ابزاری برای صیانت از منافع ملی است که نه در جنگ تعطیل می‌شود و نه در صلح. امروز، جهان در انتظار پاسخ تهران به پیشنهادهای جدید واشنگتن است و واشنگتن در انتظار دیدن نشانه‌هایی از واقع‌گرایی در تهران. اما حقیقت ساده‌تر از این حرف‌هاست: هر دو طرف به این توافق نیاز دارند. ایران برای بازسازی اقتصاد و تثبیت جایگاه منطقه‌ای، و آمریکا برای خروج از باتلاق خاورمیانه و تمرکز بر چالش‌های داخلی. پنجره‌ای که در اسلام‌آباد باز شد، هنوز رو به افق‌های صلح گشوده است. اگرچه شعله‌های جنگ‌زیر خاکستر آتش‌بس موقت پنهان شده‌اند، اما راه‌ را برای گفت‌وگو می‌توان این شعله‌ها را خاموش کند. دیپلماسی اقتدار، روشی است که در آن ایران نه از سر نیاز، بلکه از سر مسئولیت‌پذیری برای امنیت منطقه، پای میز می‌نشیند.

مذاکرات ۲۱ ساعته اسلام‌آباد نشان داد که علیرغم بن‌بست در امضای سند نهایی، «زبان میدان» و «منطق دیپلماسی» به نقطه پیوند ناگسستنی رسیده‌اند؛ جایی که ورود متغیر راهبردی تنگه هرمز به معادلات، توازن قوا را به نفع تهران تغییر داده و واشنگتن را ناگزیر به بازنگری در الگوهای قدیمی فشار حداکثری کرده است

روزهای آینده مشخص خواهد کرد که آیا بازیگران اصلی جرات عبور از بن‌بست‌های ذهنی خود را دارند یا خیر؟ اما یک چیز قطعی است: در دنیای امروز، هیچ جنگی با پیروزی مطلق نظامی پایان نمی‌یابد؛ همه جاده‌ها در نهایت به میز مذاکره ختم می‌شوند. پس چه بهتر که این مسیر، پیش از آنکه ویرانی‌های بیشتری به بار آید، طی شود. اسلام‌آباد شاید ایستگاه پایانی نبود، اما قطعاً مهم‌ترین ایستگاه برای درک این واقعیت بود که صلح تنها گزینه پایدار روی میز است. تداوم این روند می‌تواند چارچوب اختلافات بنیادین باشد و خاورمیانه را از چرخه بی‌پایان خشونت رها سازد.

ساختار قدرت در ایران و اجماع بر سر دیپلماسی

در داخل ایران نیز، به‌رغم تفاوت در لحن‌ها، یک اجماع استراتژیک بر سر صیانت از دستاوردهای میدانی دیده می‌شود. حضور همزمان چهره‌هایی چون قالیباف، عراقچی و باقری در تیم مذاکره‌کننده، نشان‌دهنده هماهنگی میان سطوح مختلف حاکمیت است. این پیام روشنی به واشنگتن بود که طرف ایرانی با یک صدای واحد سخن می‌گوید. تاکید رئیس مجلس بر اینکه «ما حسن نیت داریم اما اعتماد نداریم»، بازتاب‌دهنده نگاهی است که دیپلماسی را نه یک هدف، بلکه یک ابزار برای احقاق حقوق می‌بیند. این نگاه، راه را برای مانورهای بعدی باز می‌گذارد. ایران نشان داده است که در صورت دریافت تضمین‌های عینی، آمادگی دارد تا در مورد برخی جنبه‌های فنی انعطاف نشان دهد، اما هرگز بر سر حاکمیت ملی و امنیت منطقه معامله نخواهد کرد.

حمیدابوطالبی، دیپلمات پیشین، در این راستا، به ضرورت دیپلماسی شهود جهانی اشاره می‌کند. او معتقد است که ایران باید روایت خود را در معرض داوری افکار عمومی جهان قرار دهد تا مانع از آن شود که ترامپ با روایت‌های یک‌طرفه، مقصر بودن ایران را القا کند. این بخشی از نبرد نرمی است که در موازات مذاکرات سخت در جریان است. در نهایت، آنچه در اسلام‌آباد گذشت، تمرینی برای یک توافق بزرگتر بود. توافقی که شاید ماه‌ها زمان ببرد، اما بذر آن در همان ۲۱ ساعت مذاکره فشرده کاشته شد. ایران ثابت کرد که نه زیر بار فشار می‌رود و نه از میز مذاکره فرار می‌کند. این ترکیب از صبر راهبردی و اقتدار میدانی، کلید اصلی باز شدن قفل‌های دیپلماتیک در آینده نزدیک خواهد بود.

سناریوهای پیش‌رو؛ در انتظار حرکت بعدی واشنگتن

اکنون توپ در زمین ایالات متحده است. آیا ترامپ واقع‌گرایی را بر ماجراجویی ترجیح خواهد داد؟ اگر واشنگتن درک کند که ایرانِ پس از جنگ ۴۰ روزه، بازیگری متفاوت با قدرت مانور بیشتر است، احتمال دستیابی به یک چارچوب مشترک در دور بعدی مذاکرات بسیار بالاست. برخی منابع نوشته‌اند که با پیشنهاد پاکستان و با قبول هیات‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا، ادامه مذاکرات با میانجیگری پاکستان برای یک دور دیگر و پس از وقفه‌ای در روز یکشنبه ادامه خواهد داشت. رسانه‌ی العربیه نیز اعلام کرده است احتمال دارد آتش‌بس تمدید شود تا امکان ادامه مذاکرات فراهم شود. بنابراین سناریوی اول، بازگشت به میز مذاکره در سطحی متفاوت است. ممکن است در روزهای آینده، نمایندگانی در سطوح کارشناسی برای حل گره‌های فنی تنگه هرمز و مسائل هسته‌ای دوباره در یک کشور ثالث گرد هم آیند. این سناریو، محتمل‌ترین گزینه برای حفظ آتش‌بس و جلوگیری از سقوط اقتصاد جهانی است. ریچارد هاس، رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا درباره در همین رابطه می‌گوید: «دور نخست گفت‌وگوها به طور طبیعی معطوف به رفع ابهامات اولیه و تنظیم دستور کار است؛ از این رو، انتظار دستیابی به پیشرفتی چشم‌گیر واقع‌بینانه نبود. رقص دیپلماتیک تازه آغاز شده است.»

سناریوی دوم، تداوم وضعیت نه جنگ، نه صلح است که در آن تحریم‌ها باقی می‌مانند و ایران نیز کنترل خود بر تنگه هرمز را حفظ می‌کند. ترامپ نیز ادعا کرده است که محاصره ایران (تنگه هرمز) به زودی آغاز می‌شود. این وضعیت اگرچه برای اقتصاد ایران دشوار است، اما برای آمریکا نیز بدون هزینه نخواهد بود. فشار قیمت انرژی و نارضایتی متحدان اروپایی و آسیایی، واشنگتن را در نهایت به سمت امتیازدهی سوق می‌دهد. سناریوی سوم که بدترین حالت ممکن است، از سرگیری درگیری‌هاست. اما با توجه به اظهارات مقامات هر دو طرف و نیاز مبرم به ثبات، این گزینه در حال حاضر در اولویت هیچ‌کدام از بازیگران اصلی نیست. حتی تهدیدهای ترامپ در شبکه‌های اجتماعی را باید در چارچوب شخصیت نمایشی او و تلاش برای بهبود جایگاهش در نظرسنجی‌های داخلی تفسیر کرد.

باید به این نکته توجه داشت که دیپلماسی یک مسیر خطی نیست. فراز و فرودهای اسلام‌آباد بخشی از طبیعت مذاکرات میان دو دشمن دیرینه است. آنچه اهمیت دارد، حفظ کانال‌های ارتباطی و درک این مطلب است که در دنیای به هم پیوسته امروز، امنیت تقسیم‌ناپذیر است. ایران نشان داده که آماده است تا سهم عادلانه خود را از نظم جهانی مطالبه کند و دیپلماسی، بهترین بستر برای تثبیت این سهم است.

توقف فعلی مذاکرات نه به معنای شکست، بلکه بخشی از یک تاکتیک پیچیده برای چانه‌زنی در بالاترین سطح است که نشان می‌دهد دو طرف علیرغم تهدیدهای کلامی، همچنان عقلانیت ابزاری و مسیر گفت‌وگو را تنها راه خروج از بن‌بست فعلی و جلوگیری از ویرانی‌های راهبردی می‌بینند

گزارش

نظریه پرداز روابط بین‌الملل:

بعد از ایران، آمریکا برای ورود به هر جنگی تردید خواهد داشت

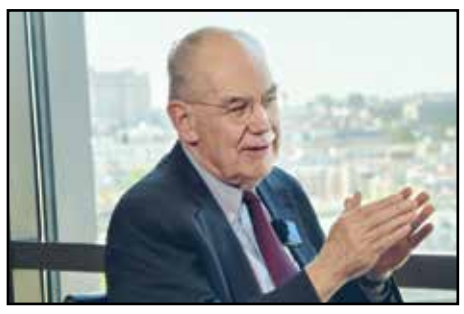

استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو و یکی از تحلیلگران برجسته سیاسی گفت: حدس من این است که پس از این جنگ، ایالات متحده برای ورود به جنگ دیگری در خاورمیانه بسیار مردد خواهد بود. ما چندین جنگ در منطقه خاورمیانه بزرگ داشته‌ایم که افغانستان و عراق نمونه‌های بارز آن هستند و هر دو، به هر حال، فاجعه‌بار بوده‌اند. اکنون، سومین فاجعه بزرگ، ایران است، بنابراین فکر می‌کنم ما به طرز چشمگیری تمایلی به شروع جنگ دیگری نخواهیم داشت.

جان مرشایمر، در مصاحبه‌ای با العربی الجدید، افزود: به نظر من دولت دونالد ترامپ می‌داند که با یک برگ برنده شکست خورده در این جنگ بازی می‌کند و پایان جنگ منفعت بزرگی برای آن دارد. دشوار است که بتوان توافقی که آمریکا و ایران به آن دست یابند را پیش‌بینی کرد اما کاملاً واضح است که ایران در این جنگ پیروز شده است. هر گونه حل و فصل نهایی این حقیقت را نشان می‌دهد که ایران طرف پیروز این جنگ است نه آمریکا.

به گزارش انتخاب، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو و یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان سیاسی دوران مدرن، با بیان اینکه این جنگ بر روابط اسرائیل و ایالات متحده تأثیر منفی خواهد گذاشت، یادآور شد: به دلیل شواهد روشن، اسرائیل ما را به این جنگ کشانده است، و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، نقش کلیدی در متقاعد کردن رئیس جمهور ترامپ داشت که ما می‌توانیم به یک پیروزی سریع و قاطع دست یابیم. رئیس جمهور ترامپ برای اسرائیل وارد جنگ شد و مردم این را به خوبی درک می‌کنند.

تحلیلگر برجسته سیاسی ادامه داد: در مورد روابط آمریکا و اسرائیل، شکی نیست که این موضوع تأثیر منفی بر روابط بین دو کشور خواهد داشت. به هر حال، رئیس جمهور ترامپ تقریباً سه سال دیگر در قدرت خواهد بود و از اسرائیلی‌ها، به ویژه نتانیاهو، به خاطر هدایت او به این جنگ فاجعه‌بار عصبانی خواهد بود. واضح است که اسرائیلی‌ها نقش کلیدی در ترغیب ترامپ به جنگ و متقاعد کردن او به توانایی خود برای دستیابی به یک پیروزی سریع و قاطع داشتند و وقتی این اتفاق نیفتاد، ما خود را در وضعیت بسیار دشواری یافتیم. این امر مطمئناً روابط بین ایالات متحده و اسرائیل را، حداقل برای مدتی، تیره خواهد کرد. در این مورد شکی نیست.

وی در مورد لفاظی‌های ترامپ در این مورد که سهمی از نفت ایران را می‌خواهد، نیز گفت: من باور ندارم که رئیس جمهور ترامپ برای نفت با ایران وارد جنگ شده باشد. فکر می‌کنم مطلقاً هیچ ربطی به نفت نداشت. او الان این را می‌گوید، اما این فقط یک یاوه‌گوییِ دیرهنگام است. این جنگ برای نفت نیست. این جنگ برای تغییر حکومت در ایران است. نخست وزیر بنیامین نتانیاهو او را متقاعد کرد که ما می‌توانیم به یک پیروزی سریع و قاطع در ایران دست یابیم و این به نفع آمریکا و اسرائیل خواهد بود. البته، نتانیاهو اشتباه می‌کرد و ترامپ هم احمق بود که به حرف او گوش داد.

به گفته مرشایمر، درک این نکته بسیار مهم است که ایران هیچ تهدیدی برای ایالات متحده نداشت و هیچ دلیلی برای شروع این جنگ وجود نداشت. ایران ایالات متحده را تهدید نکرد. ایران به ایالات متحده حمله نکرد. بلکه ایالات متحده و اسرائیل به ایران حمله کردند. دلیل این کار ما امنیت اسرائیل بود. نتانیاهو مدت‌ها بود که به آنچه که آن را تهدید ایران می‌دانست، وسواس داشت و می‌خواست ایالات متحده را به جنگ با اسرائیل علیه ایران بکشاند. در ۲۸ فوریه، او به خواسته خود رسید و این منجر به فاجعه شد.

استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو با بیان اینکه این جنگ تبعات منفی برای رابطه ایالات متحده با ناتو خواهد داشت، تصریح کرد: قبل از ۲۸ فوریه مشخص بود که روابط بین ایالات متحده و اروپا به دلیل اختلاف نظر بر سر جنگ او کراین و تهدید رئیس جمهور ترامپ برای حمله به گرینلند و تصرف آن از دانمارک، بسیار ضعیف بود. بنابراین حتی قبل از جنگ، روابط متشنج بود. و اکنون، پس از جنگ، روابط بین اروپا و ایالات متحده حتی بدتر هم شده است.

فعال سیاسی اصولگرا:

دیپلماسی به بن‌بست برسد، نبرد تشدید خواهد شد

یک فعال سیاسی گفت: میدان دو رو دارد؛ یک روی آن نبرد و مبارزه است و روی دیگر آن گفت‌وگو و دیپلماسی؛ اگر دیپلماسی به بن‌بست برسد نبرد تشدید خواهد شد. منصور حقیقت‌پور در گفت‌وگو با ایلنا، درباره مذاکرات فشرده ایران و آمریکا با حضور قالیباف گفت: عزیزانی که از طرف جمهوری اسلامی ایران برای مذاکرات رفتند در سطح مقامات عالی رتبه نظام بودند چرا که برای ما این مذاکرات ادامه میدان بوده و هست. وی ادامه داد: بر همین اساس دو قطبی کردن جامعه در این زمینه به هیچ وجه درست نیست افرادی که امروز تریبون در اختیارشان است و در میادین و تلویزیون و جاهای دیگری هستند همچنان که از میدان و خیابان حمایت می‌کنند از دیپلماسی هم باید حمایت کنند. این‌ها همه یک راهبرد و یک سیاست است؛ چه خیابان، چه میدان و چه دیپلماسی هر سه دنبال این هستند که منافع ملی ایران را در قالب حداکثری تامین کنند. این فعال سیاسی، درباره حضور قالیباف در این دور از مذاکرات گفت: قالیباف احتمالا یک سری از اختیارات را برای این دور از مذاکرات دریافت کرده بود برای ما فرقی نخواهد کرد، تمایل داریم حداکثر منافع جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات به دست آید. وی با اشاره به میانجیگری پاکستان گفت: امیدوار بودیم که با حضور پاکستان به عنوان میانجی بتوانیم یک سیر منطقی هم در مذاکرات در پیش داشته باشیم اگرچه هنوز هم همه چیز در میدان دیپلماسی تمام نشده است امیدواریم در ادامه شاهد رسیدن تیم مذاکره به تمام اهداف مدنظر خود و موفقیت جمهوری اسلامی ایران باشیم.

انتقاد پاپ لئو از ترامپ:

توهم قدرت مطلق عامل جنگ علیه ایران شد
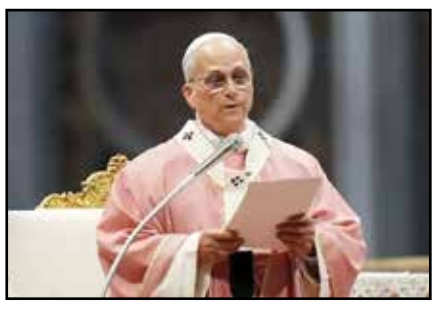
پاپ لئو چهاردهم رهبر کاتولیک‌های جهان در شدیدترین موضع‌گیری علیه جنگ ایران، «توهم قدرت مطلق» را عامل تشدید جنگ مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران دانست و خواستار برقراری صلح شد. به گزارش ایرنا؛ پاپ لئو چهاردهم گفت: «خودپرستی و پول‌پرستی دیگر کافی است! نمایش قدرت بس است! جنگ بس است!» وی در شدیدترین اظهارنظر خود تا به امروز، «توهم قدرت مطلق» که آتش جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را شعله‌ور می‌کند، محکوم کرد و از رهبران سیاسی خواست که این کار را متوقف کرده و برای صلح مذاکره کنند. این رهبر مذهبی دیروز نیز خواستار دعا برای صلح شد و خطاب به رهبران سیاسی پایان جنگ را مطالبه کرد. وی تاکید کرد که دعا برای صلح راهی برای «شکستن چرخه شیطانی شر» و ساختن پادشاهی خدا است؛ جایی که در آن شمشیر، پهپاد یا «سود ناعادلانه» وجود ندارد. او ادامه داد: «اینجا است که ما در برابر توهم قدرت مطلق که ما را احاطه کرده و به طور فزاینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی می‌شود، سنگری پیدا می‌کنیم. حتی نام مقدس خدا، خدای زندگی، به گفتمان‌های مرگ کشیده شده است. اظهارات پاپ لئو اشاره به سخنان رهبران آمریکا به ویژه پیت هگست وزیر جنگ ایالات متحده دارد که با اشاره به ایمان مسیحی خود تلاش کردند آمریکا را به عنوان یک ملت مسیحی برای شکست دشمنان خود معرفی کنند. واتیکان به ویژه نگران گسترش جنگ اسرائیل علیه لبنان با توجه به وضعیت اسفناک جوامع مسیحی در جنوب این کشور است.